

یادداشت

ترامپ و نمایش قدرت

ادامه از صفحه اول

از معدود راهکارهای مؤثر، بالابردن هزینه‌های هرگونه اقدام نمایشی است. ترامپ، برخلاف بازیگران راهبردی، تصمیماتش را نه براساس توازن قدرت، بلکه براساس ارزشابی لحظه‌ای از «سود رسانه‌ای» اتخاذ می‌کند. اگر ایران بتواند هزینه‌های اقدام نمایشی را -چه در قالب تهدید نظامی و چه در قالب توافقی نمادین- به سطحی برساند که دیگر قابل تبدیل به برد نباشد، احتمال عقب‌نشینی ترامپ افزایش می‌یابد. این هزینه‌ها لزوماً نظامی یا اقتصادی نیستند و می‌توانند روانی، رسانه‌ای یا حتی دیپلماتیک باشند. هدف، نه تهدید متقابل، بلکه خنثی‌سازی قابلیت معامله‌گری است؛ یعنی تبدیل هر اقدام ترامپ به حرکتی که در افکار عمومی آمریکا یا در میان متحدانش، نه برد بلکه شکست تلقی شود. این منطق، ایران را از واکنش‌های هیجانی دور کرده و وارد قلمرو مهندسی هزینه می‌کند؛ جایی که هر حرکت، نه برای پاسخ، بلکه برای بازتعریف صحنه بازی طراحی می‌شود. ایران توانایی مذاکره دارد و هم‌زمان توانایی ایستادگی را تثبیت کرده است. این دوگانه، ایران را از تبدیل‌شدن به بازیگر پیش‌بینی‌پذیر برای آمریکا بازمی‌دارد. در دوره ترامپ، این ویژگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ترامپ به دنبال بازیگری است که بتواند آن را در قالب «برد» تعریف کند. اگر ایران بتواند مذاکره‌ای را طراحی کند که در آن ترامپ احساس پیروزی کند، اما درواقع امتیاز راهبردی ندهد، ممکن است وارد گفت‌وگو شود؛ بااین‌حال، اگر این امکان فراهم نشود، ترامپ ممکن است به سمت تشدید تنش برود، حتی بدون هدف نهایی مشخص.

در این میان، سناریوی «تنش برای صلح» نیز مطرح شده است؛ یعنی بالابردن سطح بحران با ایران و سپس پیشنهاد مذاکره یا توافق نمادین برای نمایش صلح‌طلبی. اما این سناریو بیش از آنکه راهبردی باشد، نمایشی است. ایران نیز با توجه به تجربه خروج آمریکا از برجام، به‌شدت به این نوع مانورهای اعتماد است. حتی اگر ترامپ بخواهد از بحران با ایران برای تثبیت موقعیت سیاسی یا ساختن روایت پیروزی استفاده کند، موفقیت این سناریو به واکنش ایران فضای بین‌المللی و اعتبار ترامپ در آن لحظه بستگی دارد. در سطح داخلی آمریکا نیز افکار عمومی و نخبگان سیاسی تمایل چندانی به جنگ جدید ندارند. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها مخالف مداخله نظامی در مناقشه ایران-اسرائیل هستند و تنها ۱۶ درصد از مردم از اقدام نظامی مستقیم حمایت می‌کنند. حتی در میان جمهوری‌خواهان نیز تمایل به جنگ تمام‌عار پایین است و تمرکز بیشتر بر تحریم، عملیات محدود و فشار اقتصادی است. این فضا مانع از آن می‌شود که ترامپ بتواند به‌راحتی وارد درگیری گسترده با ایران شود؛ مگر در صورت وقوع حادثه‌ای کنترل‌ناپذیر یا تهدید مستقیم به منافع آمریکا. در چنین شرایطی، ایران باید نه‌فقط از ورود به بازی روانی ترامپ خودداری کند، بلکه باید با دقت صحنه بازی را بازتعریف کند. مقاومت صرف کافی نیست؛ باید با مهندسی هزینه، با طراحی روایت و با زمان‌بندی دقیق، هر اقدام نمایشی ترامپ را به لحظه‌ای بی‌ثمر تبدیل کرد. این یعنی تبدیل تهدید به سکوت و تبدیل سکوت به تثبیت. در چنین منطقی، ایران نه صرفاً در برابر فشار، بلکه در برابر تاز روانی ترامپ به پیروزی قابل‌نمایش ایستاده است. این ایستادگی اگر صرفاً سلبی باشد، ممکن است به تکرار تنش منجر شود؛ اما اگر با مهندسی روایت همراه شود، می‌تواند لحظه نمایشی ترامپ را به خلأ رسانه‌ای تبدیل کند. این خلأ، نه با شعار، بلکه با طراحی دقیق حاصل می‌شود؛ طراحی‌ای که در آن، هر حرکت ترامپ، به جای تثبیت قدرت، بی‌اثر و بی‌صدا جلوه کند. توافق، برای ترامپ نه ابزار حل مسئله بود و نه محصول گفت‌وگو، بلکه لحظه‌ای بود برای اعلام برد شخصیت. او به جای ساختن نظم، صحنه‌ای ساخت که بتواند آن را در رسانه‌ها به‌عنوان پیروزی بازنمایی کند. در این منطق، توافق نه به دلیل واقعیت راهبردی، بلکه به دلیل قابلیت فروش تصویر اهمیت دارد. ایران با حذف نقش خود از این صحنه، انفعال نشان نداد، بلکه صحنه‌ای را که در آن برد می‌توانست بازنمایی شود، از ترامپ گرفت. در پایان، آنچه ترامپ به‌عنوان توافق نمایاند، نه محصول مذاکره بود و نه نتیجه راهبر؛ لحظه‌ای بود برای اعلام برد شخصی؛ لحظه‌ای که با حذف نقش ایران، به صحنه‌ای خنثی بدل شد و نمایش، به دام خودش تبدیل شد.

وزارت اقتصاد ودارایی

من از سران و بزرگان طیف‌های مختلف سیاسی این را شنیده‌ام، اما تقریباً همه در کنار این اندیشه والای اقتصادی، نگران عدم تجربه و ضعف در اجرا بودند. من نمی‌دانم داخل کارتابل اینشان چه می‌گذرد، اما در عمل و در زندگی باید تغییری دیده شود. یکی از شاخص‌ها در نظر مردم، رشد ارز بود. کسی نمی‌توانست باور کند که دلار بالای ۱۱۰ هزار تومان را تجربه کنیم. این البته یک امر موردی است. همه می‌دانند که شیر قیمت دلار درست این وزارتخانه نیست. ارز از تنوره سفر نیویورک دود سفید بلند می‌شد. قیمت ارزهای خارجی ریزش می‌کرد. اما نقد جدی به عملکرد وزارت اقتصاد و آقای مدنی‌زاده، محافظه‌کاری آنهاست. در ایامی که قیمت دلار هر روز بالا می‌رود و گرانی اجناس خارج از تحمل عمده مردم است، وقت سکوت و احتیاط نیست. در این شرایط هر صبح باید وزیر اقتصاد مصاحبه کند. حرف بزند. این سکوت‌های محافظه‌کارانه آسیب‌زننده است. ممکن است حرف نو و امیدآفرینی نداشته باشیم، اما همین که در بحران، مردم حسن کند دولت با آنهاست، ارزش زیادی دارد. آقای وزیر اهل دانش باید بداند هواپیمای در حال پرواز را می‌خواهد تعمیر کند. می‌گویند که ستادهایی برای تغییرات در وزارتخانه ایجاد کرده‌اند و تصمیم به تغییرات دارند. این حق‌شان است، اما طول دادن و سست‌کردن پیکره اجرا به زیان مردم است. شاید هم بخشی از کار، مشکل رئیس‌جمهور باشد که بخش اقتصادی را یکدست و هم‌نظر نمی‌کند. این مشکل شما را هم می‌دانیم. خودتان و همکاران‌تان موفق باشید.

معجزه‌ای در کار نیست!

ایمن فعال و مقام بخش خصوصی در برابر یکی از مقامات حاکمیتی که قاعدتاً بیشترین دسترسی به آمار و ارقام را دارد، همچنین به آمار فقیرشدن جامعه و اینکه «رشد حقیقی هزینه‌کرد در خانوار شهری منفی دو درصد و در خانوار روستایی صفر برآورد می‌شود» اشاره می‌کند و بار دیگر ملتسمانه می‌گوید «توان مقاومت اقتصاد ایران در برابر بحران‌های کوتاه‌مدت و شوک‌های خارجی به‌شدت محدود است و استمرار این روند‌ها همراه با تکرار بحران‌های مشابه جنگ اخیر یا تشدید تحریم‌ها، می‌تواند زنجیره تأمین مواد اولیه، کالاهای اساسی و جریان تولید و اشتغال را با اختلالات عمیق‌تری مواجه کند» (سایت اتاق تهران- ۱۴۰۴/۷/۱۰). معنای این سخنان به زبان بی‌زبانی آن است که حضرات سیاست‌مدار و کسانی که موظف هستیید جاده سیاست را برای حرکت ماشین اقتصاد امن و مطمئن کنید، جاده‌تان هر آن زیر آوار تخته‌سنگ‌های بزرگ و بهمن‌های عظیم و قرون‌سست و شکاف‌ها و گسل‌های ترس‌آوری است که هیچ خودرویی قادر به حرکت در آن نیست و هر لحظه بیم لهدن آن می‌رود. کارشناسان و فعالان اقتصادی بالگرد و هواپیما ندارند تا بر فراز این ویرانگری‌ها پرواز کنند، اما شما قدرت و توان وین‌سازی جاده را دارید. همان‌طور که همگان‌تان در همین کشورهای درویر چنین کرده‌اند و می‌کنند. حضرات آقایان نظام حکمرانی، شما مسئول هستید و توپ در زمین شماست؛ کافی است اراده کنید و از آسمان آرزو و خیال و ارزش‌های ایدئولوژیک و انتظار معجزه و نسخه‌های شفابخش و کیمیاگری به زمین سفت واقعیت و علم و تجربه بشری پای بگذارید و منافع فردی و گروهی‌تان را با منافع ملی و منفعت همگانی همسان کنید. جاده سیاست را ایمن کنید تا ماشین اقتصاد بتواند حرکت کند و انتظار معجزه پرواز از این ماشین نداشته باشید. همین!

مالک مصدق: بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نقطه عطفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود؛ رویدادی که بسیاری آن را ورود کشور به مرحله‌ای تازه از «نزوا یا بازتعریف روابط بین‌المللی» می‌دانند. درحالی‌که چهره‌هایی همچون محسن زنگنه، نماینده مجلس نوشند: «۲۸ سپتامبر (ششم مهر) به روز ملی قطع کامل امید از آمریکا و غرب تبدیل و سرآغاز تحول اقتصادی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست خواهد شد». پرسش اساسی این است که آیا در شرایط بازگشت تحریم‌های چندجانبه، شرق واقعا تمایل و ظرفیت لازم برای همکاری گسترده با ایران را دارد یا خیر؟

در سطح نظری، «نگاه به شرق» ساهاست یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران تلقی می‌شود؛ از مشارکت در سازمان همکاری شانگهای گرفته تا قرارداد ۲۵ ساله با چین و گسترش مناسبات با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، بریکس، شانگهای و ... با این وجود تجربه نشان داده است که قدرت‌های شرقی نیز در روابط خود با ایران بیش از آنکه انگیزه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک داشته باشند، منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی را در اولویت قرار می‌دهند. در نتیجه، هرگاه همکاری با ایران هزینه‌ای بین‌المللی به همراه داشته باشد، مانند بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، سطح تعامل آنان به‌شدت کاهش یافته است.

چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، در سال‌های گذشته با وجود شعارهای همکاری بلندمدت، در عمل خرید نفت از ایران را محدود کرد و بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به حالت تعلیق درآورد. روسیه نیز بیشتر در پی بهره‌برداری از موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای و انرژی بوده تا تشکیل یک محور اقتصادی پایدار. حتی کشورهای همسایه مانند هند، ترکیه یا کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در چارچوب منافع خود عمل می‌کنند و تمایلی به تقابل با نظام تحریم‌های بین‌المللی ندارند. در نتیجه، اگرچه از منظر گفتمانی، «تکیه بر شرق و ظرفیت‌های درونی» می‌تواند در کوتاه‌مدت به‌عنوان شعار مقاومت مطرح شود، اما در عمل، بدون رفع موانع حقوقی و مالی ناشی از تحریم‌های شورای امنیت، جذب سرمایه، فناوری و همکاری واقعی از شرق دشوار خواهد بود. آنچه می‌تواند ایران را برای شرق جذاب کند، نه صرفاً مخالفت با غرب، بلکه ایجاد محیطی بانبات، پیش‌بینی‌پذیر و قانون‌مند برای تجارت و سرمایه‌گذاری است. در غیر این صورت، سیاست «نگاه به شرق» نیز مانند بسیاری از فرصت‌های مشابه، در حد یک گفتار سیاسی باقی خواهد ماند و فرصت تبدیل تحریم‌ها به «تحول اقتصادی» تحقق نخواهد یافت.

آغاز اجرای معاهده ۲۰ساله ایران و روسیه بعد از بازگشت تحریم‌ها
معاهده مشارکت جامع راهبردی میان ایران و روسیه، پنجشنبه گذشته و پس از حدود ۱۰ ماه از امضای آن در مسکو، با تأیید ولادیمیر پوتین و مسعود پزشکیان وارد مرحله اجرایی شد. این توافق ۲۰ساله یکی از گسترده‌ترین اسناد همکاری میان دو کشور به شمار می‌رود و افق تازه‌ای را در روابط تهران و مسکو در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، انرژی، علمی و فرهنگی می‌گشاید. نکته اینجاست که آغاز عملیاتی این پیمان بعد از اعمال دوباره تحریم‌های شورای امنیت است.

وزارت امور خارجه دو کشور در بیانیه‌های جداگانه اجرای این معاهده را «نقطه عطفی در تاریخ روابط دوجانبه» دانستند و آن را بازتاب‌دهنده اراده رهبران برای تعمیق مناسبات بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک معرفی کردند. همچنین در این بیانیه‌ها تأکید شده است که اجرای توافق، همکاری‌های ایران و روسیه را در چارچوب نظام چندقطبی جهانی و نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس تقویت خواهد کرد. طبق گزارش‌ها، این معاهده در مقطعی حساس به اجرا درآمده است؛ زمانی که هر دو کشور با فشارهای فزاینده از سوی ایالات متحده و متحدانش روبه‌رو هستند؛ روسیه به دلیل ادامه جنگ در اوکراین و ایران در پی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و تشدید تحریم‌های غربی. لذا از این منظر، اجرای توافق می‌تواند پاسخ سیاسی و اقتصادی مشترک در برابر فشارهای غرب تلقی شود.

معاهده از یک مقدمه و ۴۷ ماده تشکیل شده و تقریباً همه ابعاد همکاری دوجانبه را دربر می‌گیرد. در بخش سیاسی و امنیتی، دو طرف بر احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی و قرون‌سست و شکاف‌ها و گسل‌های ترس‌آوری است که هیچ خودرویی قادر به حرکت در آن نیست و هر لحظه بیم لهدن آن می‌رود. کارشناسان و فعالان اقتصادی بالگرد و هواپیما ندارند تا بر فراز این ویرانگری‌ها پرواز کنند، اما شما قدرت و توان وین‌سازی جاده را دارید. همان‌طور که همگان‌تان در همین کشورهای درویر چنین کرده‌اند و می‌کنند. حضرات آقایان نظام حکمرانی، شما مسئول هستید و توپ در زمین شماست؛ کافی است اراده کنید و از آسمان آرزو و خیال و ارزش‌های ایدئولوژیک و انتظار معجزه و نسخه‌های شفابخش و کیمیاگری به زمین سفت واقعیت و علم و تجربه بشری پای بگذارید و منافع فردی و گروهی‌تان را با منافع ملی و منفعت همگانی همسان کنید. جاده سیاست را ایمن کنید تا ماشین اقتصاد بتواند حرکت کند و انتظار معجزه پرواز از این ماشین نداشته باشید. همین!



ابعاد تازه «نگاه به شرق» و بازتعریف سیاست خارجی ایران پس از بازگشت قطع‌نامه‌ها

معمای شرق

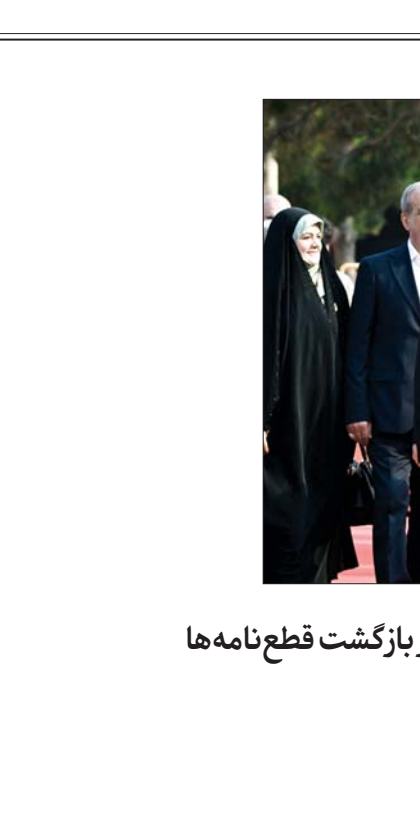
اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه انرژی شامل نفت، گاز و انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و توسعه همکاری در بخش‌های زیرساخت و فناوری‌های نو را در دستور کار قرار داده‌اند. جنبه فرهنگی و اجتماعی توافق نیز شایان توجه است؛ ازجمله تبادل هیئت‌های دانشگاهی و دانشجویی، همکاری‌های علمی و آموزشی، پروژه‌های مشترک در زمینه بهداشت، محیط زیست، ورزش و هنر. در مجموع، این معاهده ۲۰ساله با هدف تثبیت یک شراکت راهبردی بلندمدت، نماد چرخش عملی تهران و مسکو به سوی همکاری عمیق‌تر در چارچوب نظم چندقطبی جهانی تلقی می‌شود. اجرایی شدن معاهده راهبردی ایران و روسیه این پرسش را به‌طور جدی مطرح می‌کند که آیا شرق، به‌ویژه مسکو و پکن، این بار حاضر است برای تدوام همکاری با تهران «هزینه واقعی» بپردازد یا خیر؟ تجربه سال‌های گذشته نشان داده است کشورهای شرقی، هرچند از نظر سیاسی از ایران حمایت لفظی کرده‌اند، در عمل معمولاً منافع اقتصادی و ملاحظات بین‌المللی خود را بر روابط با تهران ترجیح داده‌اند. اکنون با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و فشارهای مضاعف غرب، ایران بیش از هر زمان دیگری به حمایت عملی شرکای شرقی نیاز دارد. اگر روسیه و چین واقعا در پی تقویت نظم چندقطبی و کاهش سلطه مالی غرب باشند، باید با اقدامات ملموس مانند سرمایه‌گذاری، خرید نفت و همکاری فناوری این اراده را نشان دهند. در غیر این صورت، این معاهده نیز صرفاً به بیانیه‌ای سیاسی بدل می‌شود که بیش از آنکه نشانه تغییر راهبرد شرق باشد، تکرار همان ملاحظات محتاطانه و محدود گذشته است.

نعمت‌الله ایزدی، روسیه و چین حاضر به تغییر نظم در راستای منافع ایران نیستند



برای واکاوی هرچه بیشتر و دقیق‌تر آنچه عنوان شد، نعمت‌الله ایزدی، در گفت‌وگوی خود با «شرق»، ذیل قرائتی واقع‌گرایانه، آثار مخرب بازگشت دوباره قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت به واسطه «مکانیسم ماشه» بر معادلات سیاست خارجی ایران را جدی می‌داند و اذعان دارد که «فعال‌شدن رسمی این مکانیسم به معنی بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌هایی است که همه اعضای سازمان ملل موظف به تبعیت و اجرای مفاد آن هستند». به گفته آخرین سفیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی، «هرچند تلاش‌هایی برای تصویب قطع‌نامه‌ای جهت جلوگیری از بازگشت ماشه صورت گرفت، اما نتیجه‌ای که مانع فعال‌شدن رسمی می‌شد حاصل نشد؛ بنابراین وضعیت حقوقی و سیاسی ما با آغاز مجدد آثار قطع‌نامه‌ها وارد مرحله بغرنج‌تری شده است». مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی، «این تحول را نقطه عطفی می‌داند که نمی‌توان آن را به سادگی نادیده گرفت و باید پیامدهایش را در دیپلماسی سنجید». با چنین برداشتی، وی در ادامه تحلیل می‌کند: «روسیه و چین به علت جایگاه پرستیژی خود در سازمان ملل و شورای امنیت و همچنین منافع ملی‌شان، علاقه‌ای ندارند سازوکار کلی نظام بین‌الملل را به‌کلّی زیر سؤال ببرند؛ به‌خصوص وقتی خود در موقعیت‌هایی مانند اوکراین (برای روسیه) یا تایوان (برای چین) مشکلات جدی‌ای نیست و دارند». به گفته ایزدی، «فاصله حجم روابط تجاری چین و آمریکا با روابط چین و ایران، یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده در محاسبات پکن است؛ بنابراین، علی‌رغم اظهارنظری جهانی مانند اعلام رسمی یا شعاری که چینی‌ها یا روس‌ها مدعی هستند فعال‌سازی ماشه غیرقانونی است و تبعیتی از قطع‌نامه‌ها ندارند، در عمل احتمالاً تلاش آشکاری برای تخریب سیاست خارجی ایران بین‌الملل نخواهند کرد».

به پیچیدگی فرایند رای‌گیری و نقش بازیگری اعضای دائم شورای امنیت اشاره می‌کند و می‌گوید: «بازی سیاسی در این نهاد فراتر از یک جمله یا یک رای است». او یادآور می‌شود: «روسیه و چین گاه به شکل نمادین با اقدامات یا اظهارنظرهایی مخالفت نشان می‌دهند، اما زمانی که پای منافع و محاسبات عملی ملی به میان می‌آید، مقاومتی که



ساختار سازمان ملل را آسیب‌پذیر کند، نخواهند پذیرفت». برداشت او این است که «ساده‌انگاری در تفسیر مواضع این کشورها می‌تواند «خطرناک باشد؛ شعارها را نباید با عمل یکی دانست». سفیر اسبق کشورمان درباره نقش چین توضیح می‌دهد: «پکن به دلیل روابط اقتصادی عمیق خود با آمریکا، اروپا و کل غرب و نیز فشارهایی که هم‌اکنون در معادلات بین‌المللی احساس می‌کند، علاقه‌مند به بازکردن جبهه‌ای جدید علیه نظم بین‌المللی نخواهد بود؛ به‌ویژه که خود با مسائلی مثل تایوان روبه‌رو است». از این‌رو، او نتیجه می‌گیرد: «اتکا صرف به شرق به‌خصوص در صورت رفتار خصمانه یا یک‌جانبه‌گرانه ایران نمی‌تواند راهبرد پایداری برای کشور باشد». آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، درباره تخریب کانال دیپلماسی توسط اروپا و ضرورت حفظ کانال‌های دیپلماتیک هشدار می‌دهد که «حذف اروپا از معادلات سیاست خارجی و پرورده هسته‌ای، راه‌حل مناسبی نیست و بهتر است از همین امروز برای ترمیم روابط با دست‌کم کشورهای اروپایی اقدام شود». ایشان تأکید می‌کنند: «اصرار بر قطع رابطه با بیرون‌گذاشتن بازیگران اروپایی، ایران را به بن‌بستی می‌کشاند که نه در جهت منافع ملی است و نه باعث کاهش فشارها می‌شود؛ بلکه باید مذاکره و همکاری با آژانس و طرف‌های اروپایی را به‌عنوان یک گزینه فعال نگه داشت». اولین سفیر کشورمان در فرانسویون روسیه، نسبت به آثار جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای هشدار می‌دهد و به‌صورت مشخص به وضعیت غزه و مواضع دولت فعلی اسرائیل اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: «دولت‌هایی که مسیرشان را جنگ انتخاب کرده‌اند، برایشان ملاحظات انسانی و هزینه‌های در اولویت قرار نمی‌گیرد». بنابراین او هشدار می‌دهد که «جنگ برای همه طرف‌ها ضرر دارد، به‌خصوص در شرایط شکننده این روزها که کشور تاب جنگ دیگری را ندارد، عقلانیت سیاسی الزام می‌کند ایران از تشدید بیشتر تنش‌ها دوری کرده و از فرصت‌های دیپلماسی برای کاستن از فشارها استفاده کند» تا فضای بین‌المللی برای تعاملات اقتصادی و سیاسی بازتر شود.

تحلیلیگر ارشد مسائل بین‌الملل، در بررسی مسئله ریاست دوره‌ای روسیه در شورای امنیت طی ماه جاری میلادی (اکتبر) که با پایان عمر برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ مصادف شده و انتظارات نسبت به مسکو، یادآور می‌شود: «ریاست شورای امنیت ابزار بی‌قیدوشرطی برای انجام هر اقدام خاصی نیست و نباید براساس آن انتظار داشت اعضای دائم بتوانند به‌تنبهایی سازوکارها را تغییر دهند». ایزدی به تجربه گذشته و اقدامات اخیر اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «خود تلاش‌های روسیه و چین برای ارائه قطع‌نامه‌هایی در جهت جلوگیری از بازگشت ماشه نشان می‌دهد که آنها اذعان داشته‌اند فعال‌شدن مکانیسم می‌تواند به بازگشت تحریم‌ها بینجامد؛ یعنی هم در معار و هم در عمل محاسباتی دقیق در جریان بوده است که حتی ریاست روسیه در ماه اکتبر بر شورای امنیت هم نمی‌تواند معادلات را به شکل چشمگیری تغییر دهد».

مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی، در جمع‌بندی راهبردی، پیشنهاد می‌دهد: «ایران باید هم‌زمان در دو محور حرکت کند؛ از یک طرف ترمیم روابط با اروپا و بازکردن مسیر مذاکره را دنبال کند و از طرف دیگر تعادلی در روابط با شرق برقرار کند تا وابستگی ناموزون به یک سو ایجاد نشود». او بار دیگر تأکید می‌کند که «ایران چنین بار اعلام کرده به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و این موضع می‌تواند نقطه شروعی برای کاهش تنش‌ها باشد؛ اما این مسیر نیازمند شجاعت سیاسی و اعتطاف‌پذیری در دیپلماسی است». آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در بخش پایانی گپ‌وگفت خود این نکته را متذکر می‌شود که «واقعیتی و آماده‌سازی برای سناریوهای مختلف ضروری است؛ چون سیاست خارجی‌ای که تنها بر شعار و امید بنا شده باشد، کشور را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد». به نظر او، «بهترین رویکرد در شرایط کنونی، ترکیب دیپلماسی فعال، ترمیم کانال‌ها با اروپا و مدیریت هوشمندانه روابط با شرق است تا ایران بتواند از کنار چالش‌های جدید عبور کند بدون اینکه معادلات بین‌المللی را بیشتر به ضرر خود رزم بزند».

سیدعلی سقائیان: بازگشت دوباره تحریم‌ها را نباید تولد سیاست نگاه به شرق دانست



سیدعلی سقائیان دیگر کارشناسی بود که در گفت‌وگو با «شرق»، خط تحلیلی خلاف نعمت‌الله ایزدی داشت و تأکید کرد: «تحریم‌ها برای ایران پدیده‌ای تازه نیستند و از زمان کارتر و بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران تا امروز، کشور ما تقریباً همواره درگیر نوعی از محدودیت‌ها و تحریم‌ها بوده است». البته به باور سفیر اسبق ایران در برزیل، «بازگشت دوباره تحریم‌ها را نباید تولد سیاست نگاه به شرق دانست، بلکه باید آن را در امتداد روندی تاریخی دید که از گذشته با ما بوده و با تغییر تاکتیک، می‌توان آن را مدیریت کرد».

خبر

رئیس قوه قضائیه: حماس با عزت پای میز مذاکره حاضر می‌شود

رئیس قوه قضائیه گفت: در دو سال اخیر و پس از عملیات طوفان‌الاقصی نه‌تنها مقاومت اسلامی محذوف و مه‌دوم نشده است، بلکه این درخت تناور همچنان مستحکم و مقاوم ایستاده است و بر نفوذ و محبوبیت و اشتهار جهانی آن نیز افزوده شده است. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌از‌ه‌ای، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با تأکید مؤکد بر ضرورت حسن رفتار با مردم و ارباب‌رجوع بیان کرد: خدمت‌ی‌ب‌منت و خالصانه به مردم و نظام اسلامی در صدر وظایف و اولویت‌های ماست؛ تأکید مؤکد داریم که کار و امورات قضائی و حقوقی مردم، تحت هیچ شرایطی بر روی زمین نماند و با کندی و تأخیر و فترت مواجه نشود. باید تلاش مضاعف به خرج دهیم تا کار مردم را با سرعت و دقت بیشتری انجام دهیم و در این اثنا، نهایت خضوع و رفتار محترمانه را با مردم و مراجعه‌کنندگان به دستگاه قضا داشته باشیم. رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به اهمیت تحکیم امنیت روانی و فیزیکی مردم بیان کرد: بار دیگر تأکید مؤکد دارم که مقامات قضائی ذی‌صلاح در کنترل بازار، به‌ویژه بازار مرتبط با اقلام ضروری زندگی مردم، به مسئولان مربوطه در کشور یاری و مساعدت برسانند و با احتکار، قاطعانه مقابله کنند. همچنین در مبارزه و مقابله با عناصری که امنیت روانی مردم را مخدوش می‌کند و به ناهنجاری‌های اجتماعی دامن می‌زنند و این ناهنجاری‌ها را پدیده می‌آورند، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه ندهند و در این عرصه، قاطعانه و وفق قانون عمل کنند. رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به دومین سالگرد عملیات طوفان‌الاقصی گفت: طی دو سال اخیر و پس از عملیات طوفان‌الاقصی، سردمداران رژیم متجاوز صهیونیستی و حامیان و هم‌پیمانان این رژیم خبیث و لئیم، مرتکب از حذف و عدم مقاومت اسلامی در غزه و منطقه غرب آسیا سخن می‌گفتند؛ اما امروز پس از دو سال، نه‌تنها مقاومت اسلامی محذوف و مه‌دوم نشده است، بلکه این درخت تناور همچنان مستحکم و مقاوم ایستاده است و بر نفوذ و محبوبیت و اشتهار جهانی آن نیز افزوده شده است و جوانان در اقصی نقاط جهان، فارغ از هر ملیت و مذهب و قومی، مقاومت اسلامی را می‌ستایند و دوستدار و هوادار آن هستند. از سویی دیگر، تفر و انزجار جهانی از دو رژیم آمریکا و اسرائیل نیز به سبب جنایات بی‌شمار آنها در غزه، به حد بی‌سابقه‌ای رسیده است. در عرصه سیاسی نیز همگان شاهدند که مقاومت اسلامی حماس در فلسطین با عزت و بدون آنکه دنیاری زاده‌خواهی‌های دشمن باشد، در پای میز مذاکره حاضر می‌شود.

با رای دادگاه انقلاب شهرستان بندرعباس؛ یک فرانسوی-آلمانی از اتهام جاسوسی تبرئه شد

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از صدور حکم برائت لیابرت کرستین جین پیرلو موترلس تبعه کشور آلمان که دارای ملیت فرانسوی است، از اتهام جاسوسی خبر داد. مجتبی قهرمانی با اشاره به اینکه او به اتهام جاسوسی در زمان جنگ تحمیلی ۱۲روزه درگیر شده بود، گفت: با وجود دستگیری در شرایط جنگی و صدور کفرخواست برای این شخص، پرونده مربوطه در دادگاه انقلاب شهرستان بندرعباس به صورت دقیق مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفت. قهرمانی یادآور شد: با وجود صدور کفرخواست در دادسرا، دادگاه انقلاب با لحاظ اصول حقوقی و نظر به تردید در بزه انسانی، حکم بر برائت متهم صادر کرده است که البته طبق قانون دادستان حق اعتراض به رای را دارد. رئیس کل دادگستری استان هرمزگان با اشاره به اینکه هدف دستگاه قضائی در عمل به تأکیدات و رهنمودهای ریاست محترم قوه قضائیه، اجرای قانون و برقراری عدالت است، اظهار کرد: اجرای عدالت در نظام قضائی اسلام، یک اصل و ارزش واقعی و والاست؛ بنابراین بعدهی و رفتار دوگانه سیاست‌مداران بعضی از کشورهای خارجی در قبال ملت ایران، باعث نمی‌شود اصل بی‌طرفی و اجرای قانون به‌عنوان اصول قضاوت عادلانه نادیده گرفته‌شود. این مقام قضائی تصریح کرد: رسیدگی به پرونده‌های جاسوسان و عوامل نفوذ طبق قانون و رعایت دقت در دستور کار دادگستری کل استان هرمزگان قرار دارد و در صورت اثبات فعل مجرمانه و نقش این افراد، قاطعانه با آنها برخورد خواهد شد.